

رامین برتو

موضوع پیمان ابراهیم چند روزی است که مجدداً در صدراخبار رسانه‌های جهان قرار گرفته‌است؛چراکه استیوویتکاف، فرستاده ویژه رئیس جمهوری آمریکا در امور خاورمیانه (شامگاه پنجشنبه) مدعی شد که کشوری تازه به «توافقنامه ابراهیم» خواهد پیوست، پیمانی که روند عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و کشورهای با اکثریت مسلمان را با فشار و وعده‌های واشنگتن شکل داد و هنوز هم این روند ادامه دارد.او در مجمع تجاری آمریکا در فلوریداصراحتاًاعلام کرد که «کشوردیگری به توافق نامه‌های ابراهیم پیوسته‌است و به‌زودی اعلامیه‌ای در این باره منتشر خواهد شد که‌این نشانه پیشرفت بزرگی برای ثبات منطقه‌ای، گسترش روابط تجاری و دیپلماسی آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ است.» ویتکاف اضافه کرد که برای اعلام رسمی این خبر به واشنگتن باز خواهد گشت،اما از ذکر نام کشور خودداری کرد.

ساغاتی‌یعدوبر اساس گزارش رسانه‌مختص شد کهفراقستان به‌عنوان اولین کشور آسیای میانه به پیمان ابراهیم پیوسته است. در این میان رسانه آمریکایی آکسیوس به نقل از مقامات آمریکایی اعلام کرد که انتظار می‌رود قاسم جومارت تو کایف، رئیس‌جمهور فزاقستان، در دیدار با ترامپ پنج‌شنبه شب این موضوع را اعلام کند که مطابق گزارش‌ها، اِیسن گام عمدتاً نمادین تلقی می‌شود؛چراکه فزاقستان از اسال‌هایپیش با اسرائیل روابط کامل دیپلماتیک دارد.

چرا پیوستن فزاقستان برای اسرائیل و نتانیاهو اهمیت دارد؟
برای اسرائیل و به ویژه شخص بنیامین نتانیاهو، پیوستن فزاقستان به توافقنامه ابراهیم فرصتی چندوجهی است. نخست اینکه این اقدام می‌تواند به کاهش اثرگذاری دیپلماتیک اسرائیل کمک کند، به ویژه در حالی که حملات گسترده به نوار غزه و تنش‌های منطقه‌ای موجب انتقادهای جهانی شده‌اند و بر این اساس ورود فزاقستان به پیمان ابراهیم نشانه‌ای است که اسرائیل کمتر منزوی شده‌است.
دوم اینکه اضافه شدن یک کشور آسیای مر کزی به این توافق فراتر از چار چوب خاور میانه می‌رود. تحلیلگران ششورای اتلانتیک معتقدند این نشان می‌دهد که «توافقنامه ابراهیم» ممکن است از روابط عربی-اسرائیلی اولیه فراتر رفته و وارد گستره آسیای مر کزی و اوراسیا شود که اسرائیل سابقه‌ای دیرینه در همکاری با این جغرافیا دارد. این امر برای اسرائیل به معنای گشودن افق‌های همکاری در زمینه فناوری، امنیت و انرژی در منطقه‌ای است که تاکنون کمتر هدف کار دیپلماتیک اسرائیل بوده‌است.

سوم، برای نتانیاهو این ادعای «گسترش صلح و روابط» می‌تواند در داخل اسرائیل نیز دستاورد سیاسی باشد؛ در مواجهه با انتقادها نسبت به سیاست خارجی او کی حاشیه‌من برای کابینه وی به وجود بیاورد و

حتی نشان دادن موفقیت در گسترش توافق‌های صلح می‌تواند امتیازی انتخاباتی و سیاسی برای وی باشد. در همین حال، اسرائیل می‌تواند از حضور فزاقستان به‌عنوان یک شریک در مدار شرقی (با منابع طبیعی ارزشمند، موقعیت ژئوپلتیکی خاص) بهره‌بربرد.
در کنار این موارد، ورود فزاقستان نمونه‌ای از «باشگاه صلح» است که اسرائیل و آمریکا آن را به‌عنوان چار چوب مورد نظر برای شبکه‌سازی کشورهای مسلمان و اسرائیل پیش می‌برند. هر چند تحلیلگران بر این نکته تأکید می‌کنند که اگر عربستان سعودی یا کشورهای بزرگ‌تر وارد نشوند، تاثیر آن محدود خواهد ماند.

تحلیلگران شورای اتلانتیک معتقدند که ورود فزاقستان به روابط علنی با اسرائیل و پذیرش «توافقنامه ابراهیم» ممکن است از روابط عربی –اسرائیلی اولیه فراتر رفته و وارد گستره آسیای مر کزی و اوراسیا شود که اسرائیل سابقه‌ای دیرینه در همکاری با این جغرافیا دارد و این امر برای اسرائیل به معنای گشودن افق‌های همکاری جدید است

عادی سازی روابط آستانه و تل آویو، گامی نمادین با پیام‌های راهبردی؛

فراقستان در باشگاه توافق ابراهیم!



اهمیت راهبردی

برای دولت ترامپ و تیم واشنگتن

اعلام پیوستن فزاقستان به توافقنامه ابراهیم برای دولت دوم دونالد ترامپ، چند جنبه اساسی دارد. ابتدا، این اقدام می‌تواند به عنوان نمادی از تمدید دستاوردهای دوره اول ریاست جمهوری او قلمداد شود؛ چرا که توافقنامه ابراهیم در دوره نخست ترامپ امضا شد و اکنون ورود کشورهای جدید می‌تواند به بازتعریف این اقدام‌اودر سیاست خارجی کمک کند. موضوع دیگر اینکه این گام با تلاش‌های واشنگتن برای گسترش نفوذ در آسیای مر کزی هم‌زمان شده است. ترامپ در دیداری با رهبران پنج کشور آسیای مر کزی (فزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان) تأکید کرد که آمریکا مشارکت اقتصادی، امنیتی، همکاری‌های اقلیمی و معدنی را تقویت خواهد کرد و ورود فزاقستان به توافق، در این راستایی که از اهرم‌هایی است تا واشنگتن بتواند در مقابل قدرت‌های رقیب مانند روسیه و چین در این منطقه عمل کند.

از منظر تبلیغاتی و رسانه‌ای، اعلام این خبر دقیقاً پیش از دیدار مهم ترامپ با ولیعهد عربستان سعودی در ۱۸ نوامبر صورت می‌پذیرد و می‌تواند به عنوان اهرمی برای فشار بر ریاض تلقی شود تا وارد مسیر

موقعیت آمریکا در اوراسیا و آسیای مر کزی در تقابل با رقابت بزرگ قدرت‌های دیگر مانند چین و روسیه قلمداد می‌شود.

نگاه روسیه چیست؟

نحوه واکنش روسیه به پیوستن فزاقستان به توافقنامه ابراهیم نیز حائز اهمیت است. از شواهد پیدا است که مسکو تاکنون موضعی محتاط اتخاذ کرده است. هنگام پرسش از سخنگوی وزارت خارجه روسیه درباره موضوع پیوستن فزاقستان، وی پاسخ داد که «از خود کشور مذکور سؤال کنید، و سپس اگر لازم باشد ما واکنش خواهیم داشت.» این رویکرد نشان می‌دهد که روسیه نمی‌خواهد آشکارا وارد تنش شود، اما به وضوح نسبت به گسترش فهرست کشورهای که از حوزه سنتنی نفوذ روسیه فاصله می‌گیرند، حساسیت دارد.

از منظر ژئوپلتیکی، فزاقستان بخشی از جبهه سنتنی نفوذ روسیه در آسیای مر کزی است. روابط فزاقستان و روسیه از دیرباز اهمیت داشته و بسیاری از تحلیلگران از سیاست چندجهتی (Multi-Vector Policy) فزاقستان سخن گفته‌اند که در دهه‌ها اخیر سعی کرده میان روسیه، چین و غرب تعادل برقرار کند. در چنین فضایی، ورود فزاقستان به توافق اسرائیلی –آمریکایی می‌تواند نشانه‌ای از کاهش نفوذ انحصاری روسیه یا حداقل فراهم شدن محیط بیشتر منطقه‌ای برای بازیگران دیگر باشد.

با این حال، به رغم نگرانی بالقوه، روسیه تاکنون واکنش رسمی قاطعی نشان نداده است؛ رفتار محتاطانه‌ای که ممکن است نشان‌دهنده آن باشد که مسکو در تلاش است وضعیت را بسنجد و ببیند آیا این اقدام به یک جابه‌جایی اساسی در منطقه منجر می‌شود یا صرفاً نمادین خواهد ماند.

فرجام سخن

گام فزاقستان به سمت پیوستن به «توافق ابراهیم» اگر چه عمدتاً نمادین عنوان شده، اما از حیث سیاسی، دیپلماتیک و راهبردی پیام‌های مهمی دارد. برای اسرائیل و نتانیاهو فرصتی برای تقویت دیپلماسی، برای ترامپ و تیم او ابزاری برای بازسازی برند سیاست خارجی و گسترش نفوذ در منطقه، و برای روسیه چالشی پیچیده در پیوند با حوزه نفوذ سنتنی و رقابت با غرب. با این حال باید دید که آیا کشورهای بزرگ‌تری چون عربستان سعودی واقعاً وارد این مسیر خواهند شد یا خیر؛ چرا که بخش مهمی از موفقیت توافقنامه ابراهیم وابسته به ورود آنها است. در نهایت، پیوستن فزاقستان به توافقنامه ابراهیم نشان‌داد که دیپلماسی منطقه‌ای امروز دیگر محدود به خاور میانه نیست و آسیای مر کزی به یکی از میدان‌های مهم رقابت ژئوپلتیکی تبدیل شده‌است. در این میان، آنچه اهمیت دارد، تبدیل نمادهای همکاری‌های ملموس و پایدار بوده و این چالشی است که اکنون پیش روی تمامی طرف‌ها قرار دارد.

پیوستن فزاقستان به پیمان ابراهیم که دارای منابع معدنی مهم است، نشان‌دهنده تلفیق سیاست خارجی با منافع اقتصادی (از جمله نیاز به مواد معدنی نادر و زنجیره تأمین) بوده که برای تیم ترامپ و کاخ سفید اهمیت زیادی دارد، چرا که چین در این حوزه‌ها پیش از این حوز‌ها پیش‌تاز بود و آمریکا دنبال راه‌های جایگزین است

خبر

موج جدید حملات اسرائیل به لبنان



اشغالی هراسان شدند. وسایات اسرائیلی گذشته موج جدیدی از حملات هوایی به مناطق جنوبی لبنان را از سر گرفت‌اند. شدت حملات به گونه‌ای است که در الاجلیل علیا و جولان اشغالی سوریه شنیده می‌شود. هم‌زمان سخنگوی ارتش اسرائیل از صدور سومین هشدار تخلیه برای شهرک‌هایی در جنوب لبنان صادر کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرد که تحریم‌هایی علیه افرادی وضع کرده‌است که بنابه ادعای واشنگتن، در تسهیل انتقال پول به حزب الله دست داشته‌اند. به دنبال حملات اسرائیل به جنوب لبنان که ارتش اسرائیل گفته ادامه خواهد داشت، ساکنان فلسطین

جنگنده‌های اسرائیل طی دو روز گذشته موج جدیدی از حملات هوایی به مناطق جنوبی لبنان را از سر گرفت‌اند. شدت حملات به گونه‌ای است که در شنیه می‌شود. هم‌زمان سخنگوی ارتش اسرائیل از صدور سومین هشدار تخلیه برای شهرک‌هایی در جنوب لبنان صادر کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز اعلام کرد که تحریم‌هایی علیه افرادی وضع کرده‌است که بنابه ادعای واشنگتن، در تسهیل انتقال پول به حزب الله دست داشته‌اند. به دنبال حملات اسرائیل به جنوب لبنان که ارتش اسرائیل گفته ادامه خواهد داشت، ساکنان فلسطین

ویتکاف: حماس با خلع سلاح موافقت کرده است



آنها این را مستقیما به مادر آن جلسه معروفی که جرد با آنها داشت، گفتند.» او ادامه داد: «امیدوارم که آنها به حرف خود عمل کنند، زیرا اگر این کار را انجام دهند، خواهند فهمید که طرح توسعه‌ای که ما برای غزه داریم واقعا فوق العاده است. بسیاری از اعضای ائتلاف راست افراطی بسیار بهتر از آنچه که قبلا کسی در مورد آن صحبت کرده است.» فرستاده ویژه آمریکا در غزه در ادامه این سخنان افزود:

استیو ویتکاف، مذاکره کننده ویژه کاخ سفید (پنجشنبه) در کنفرانس انجمن تجاری آمریکا در میامی مدعی شد که مقامات حماس ساعاتی قبل از امضای آتش‌بس در مهر ماه گذشته، به او سرع تشکیک می‌دهد. برلین اخیرا اعلام کرد کارشناسن پهبادی خود را به ماموریت کمک به بلژیک برای مقابله با خلع سلاح خواهد شد. آنها این را گفته‌اند.

جهان نما

تحلیل میدل ایست آی:

مصر و ترکیه چگونه به ارتش سودان کمک می‌کنند؟

میدل ایست آی در یک مقاله اختصاصی از تغییر مهمی در موازنه قدرت منطقه‌ای پس از تصرف شهر الفاشر در منطقه دارفور سودان خبر داده و تأکید کرده که این تحول با بازتعریف اولویت‌های امنیتی قاهره، موجب همکاری نزدیک تر نظامی میان مصر، ترکیه و ارتش سودان شده است.

پایگاه تحلیلی میدل ایست آی، در این گزارش اشاره می‌کند که مصر سقوط الفاشر به‌دست «نیروهای واکنش سریع» را نه تنها به‌عنوان رویدادی دیگر در جنگ سودان، بلکه به‌عنوان تهدیدی مستقیم علیه مرزهای جنوبی خود می‌بیند. سقوط پایتخت ایالت دارفور شمالی نقطهطفی برای قاهره محسوب می‌شود، زیرا دولت مصر اکنون مرزهای خود با سودان و لیبی را «خط مقدم دفاعی» کشور می‌داند. ارتش سودان، که از آوریل ۲۰۲۳ در گیر جنگ با نیروهای واکنش سریع است، روابط نظامی دیرینه‌ای با ارتش مصر دارد و قاهره از ابتدای درگیری‌ها از متحد خود حمایت کرده‌است.

به گزارش رسانه انگلیسی، نگرانی‌های مصر پس از آن افزایش یافت که نیروهای واکنش سریع در ماه ژوئن بخش سودانی منطقه مثلث مرزی میان مصر و لیبی را تصرف کردند. این تحولات، همراه با جنایات گسترده در الفاشر، باعث شد دولت «عبدالفتاح السیسی» نقشه امنیتی جدیدی در سیم کشد که تر کیبسی از هماهنگی نظامی و دیپلماسی برای مهار بحران است.

یک تحلیلگر سودانی به نام «خلود خیر» در گفت‌وگو با میدل ایست آی گفته است: «ارتش سودان انتظار دارد مصر و ترکیه پس از سقوط الفاشر به آن سلاح بدهند. مصر به‌ویژه نگران امنیت مرزهای جنوبی خود و استقرار نیروهای واکنش سریع در نزدیکی آن است.» به نوشته این پایگاه، یک منبع ارشد اطلاعاتی ارتش مصر تأیید کرده‌است که همکاری میان ارتش‌های مصر و سودان برای تشکیل نیروی فرماندهی مشترک آغاز شده تا از نفوذ احتمالی نیروهای واکنش سریع از طریق مرزهای سودان با لیبی جلوگیری شود.



در این گزارش آمده است که فوریت اوضاع زمانی آشکار شد که «احمد فتحی» رئیس ستاد ارتش مصر در فاصله ۲۴ ساعت ابتدا به عربستان سعودی و سپس به بندر سودان، مقر دولت وابسته به ارتش سودان انجام داد. در عربستان، فتحی ریاست کمیته همکاری نظامی مصر و عربستان را بر عهده داشت و در سودان نیز طرح‌های عملیاتی برای حفاظت از مرزهای مشترک را بررسی کرد. بر اساس گزارش میدل ایست آی، این دیدارها زمینه‌ساز تشکیل ائتلاف عملیات مشترک در ایالت کردفان شمالی و استقرار سامانه‌های هشدار زود هنگام را داری بوده‌است. هم‌زمان با تصرف الفاشر، نیروهای واکنش سریع کنترل شهر «باره» در کردفان شمالی را نیز در اختیار گرفتند؛ منطقه‌ای که علاوه بر منابع نفتی، تنها چهار ساعت با پایتخت سودان فاصله دارد.

به گفته خلود خیر، احتمال حمله این نیروها به شهر «امدرمان» در ماه‌های آینده می‌تواند مداخله مصر را تسریع کند، زیرا قاهره همواره پایتخت را «خط قرمز» خود دانسته‌است. منبع اطلاعاتی مصری نیز تصریح کرده است که اتاق عملیات مشترک در کردفان، به مصر امکان می‌دهد تا به ارتش سودان برای بازپس‌گیری مناطق تازه اشغال‌شده توسط نیروهای واکنش سریع کمک کند و افزود: «بازپس‌گیری دارفور برای ثبات منطقه و حفاظت از مرزهای مصر حیاتی است.»

به نوشته میدل ایست آی، مصر نیروهای خود را در مرزهای جنوبی و غربی بسیج کرده و گشت‌های هوایی مداوم انجام می‌دهد. نیروی هوایی مصر از نزدیک شدن به مناطق تحت کنترل نیروهای واکنش سریع خودداری می‌کند تا از درگیری مستقیم با سامانه‌های پدافند هوایی متحرک این نیرو جلوگیری کند. یک منبع دیگر مصری نیز به میدل ایست آی گفته است که قاهره تحت فرماندهی ژنرال «عبدالفتاح البرهان» به ارتش سودان «رهنمایی‌های عملیاتی و سلاح» را ارائه کرده و استقرار نیروها را برای مقابله با عوامل واکنش سریع هماهنگ کرده‌است.

در این گزارش آمده است که سقوط الفاشر برای قاهره تنها شکست ارتش سودان نبود بلکه هشدار ی درباره شکنندگی ثبات منطقه‌ای بود. این شهر حلقه‌ا ترابلی شرق و غرب دارفور محسوب می‌شد و با سقوط آن، دارفور از سایر مناطق کشور جدا شد؛ امری که احتمال تجزیه سودان را دوباره مطرح کرده‌است.

نیروهای واکنش سریع اکنون کنترل مسیرهای مهم تجاری و قاچاق میان لیبی و چاد را در دست دارند. یک تحلیلگر سیاسی مقیم قاهره گفته است: «قدرت‌گیری این گروه یک خلأ قدرت ایجاد می‌کند که بازیگران غیردولتی می‌توانند از آن بهره ببرند. برای مصر، این مسئله فقط همبستگی با سودان نیست، بلکه دفاع از جناح جنوبی خود است.»

میدل ایست آی در بخش دیگری از گزارش خود تأکید کرده است که رشد قدرت این گروه و جنایات‌هایش در الفاشر، توجه‌ها را به نقش امارات در جنگ سودان جلب کرده‌است. به رغم کم‌تک‌پای اوبوطی، میدل ایست آی با استناد به تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های پروازی و درپایی، شماره سربان سلاح‌ها و منابع متعدد منطقه‌ای گزارش داده‌است که امارات در طول جنگ به نیروهای واکنش سریع سلاح رسانده‌است.

اساس این گزارش، مسیرهای ارسال سلاح از بندر «بوصاصو» در منطقه پونتلند سومالی، پایگاه‌های تحت کنترل «خلیفه حفتر» در جنوب شرقی لیبی، چاد، جمهوری آفریقای مر کزی و پایگاه‌های هوایی در اوگاندا عبور کرده و به ۲ پایگاه در داخل سودان منتقل شده‌اند.